

# عوامل و زمینه های احیاء تمدن اسلامی در گفتار رهبر معظم انقلاب

محمدجعفر اشکواری<sup>۱\*</sup> و سیده زهرا موسوی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان

Email: [ashkevari@znu.ac.ir](mailto:ashkevari@znu.ac.ir)

## چکیده

تمدن نوین اسلامی همان احیاء تمدن اسلامی است که اوج و شکوفایی آن در سده چهارم هجری بود که با عنوان «رنسانس اسلامی» شناخته می‌شود. اگرچه آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی با محوریت دین اسلام از شبه جزیره عربستان بود، اما در پیشرفت و تعالی آن جوامع و ملل مختلف نقش داشتند. به همین دلیل گفته شده است: زبان آن عربی، فکرش ایرانی، خیالش هندی، بازویش ترکی، اما دل و جانش اسلامی و انسانی بود. بنابراین برای احیای تمدن اسلامی اهتمام تمام کشورها و ملت‌های اسلامی لازم است و همه باید در بازشکوفایی آن شرکت فعال داشته باشند. رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت‌های مختلف به عوامل، زمینه‌ها و نقش ملت ایران در احیای تمدن اسلامی اشاره کرده‌اند که بازخوانی آنها می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. بنابراین مقاله حاضر درصدد واکاوی برخی از عوامل و زمینه‌های احیای تمدن اسلامی و نقش ایران در این زمینه با محوریت سخنرانی‌های رهبر انقلاب اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: تمدن، تمدن نوین اسلامی، تمدن اسلامی، عرصه‌های پیشرفت.

## مقدمه

تمدن اسلامی با بعثت پیامبر شروع شد و با دستاوردهای مختلفی که در زمینه‌های گوناگون به دست آورد، توانست جایگاه والایی به خود اختصاص دهد، اما به مرور زمان و با گذشت چندین قرن دچار رکود شد. آنچه که تمدن اسلامی را به پیشرفت رساند همان تسامح، تساهل و توجه به تمام جنبه‌های مادی و معنوی بشر بود که به مرور زمان رنگ باخت و ضربه بزرگی بر پیکره تمدن اسلامی وارد ساخت. توجه به ابعاد انسانی و الهی زندگانی انسان‌ها در دنیای امروز از جایگاه برجسته‌ای برخوردار نیست و این امر هم ناشی از دیدگاهی است که آنها نسبت به این جهان و انسان دارند. بنابراین نیازهای حقیقی انسان مانند سعادت، امنیت و آرامش روانی و معنوی حلقه‌های مفقود در زندگی انسان‌هایی است که در دنیای امروز به سر می‌برند. اگر از دیدگاه رهبر انقلاب به این موضوع نگاه کنیم این تمدن فقط جنبه ابزاری و سخت افزاری دارد [۲۱]، بنابراین انسان نیاز به تمدنی دارد که در سایه آن همه نیازهای مادی و معنوی او برآورده شود و این تمدن چیزی جز تمدن اسلامی نیست. بنابراین احیای تمدن اسلامی ضرورت می‌یابد. رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های خود راهکارهایی را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ارائه داده‌اند که پرداختن به آنها می‌تواند در احیای تمدن اسلامی راهگشا باشد. پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه‌های ایشان در زمینه احیای تمدن اسلامی در قالب تمدن نوین اسلامی پرداخته است.

## تمدن (civilization)

برای تمدن تعاریف مختلفی ارائه شده است به عنوان نمونه از نظر ساموئل هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید. [۱۸] هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد. [۱۶] تاملین معتقد است مقصد تمدن انسانی ایجاد مناسبات انسانی است در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که بر اساس نگاه این محقق هر گاه جامعه‌ای شکل گیرد و در آن مناسبات انسانی ایجاد شود و این مناسبات استعداد و قریحه خدادادی انسان را شکوفا کند می‌توانیم آنرا تمدن بنامیم. وی تمدن را چنین توصیف می‌کند: «تمدن حرکت است نه سکون، سفر است نه توقف، هیچ تمدن شناخته شده‌ای تاکنون در این سفر به هدفی که تمدن دارد واصل نشده است، اما احتمال دارد معدودی از مردان و زنان برجسته به آن هدف رسیده باشند». [۶] ویل دورانت در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تمدن دارای چهار رکن و عنصر اساسی است که شامل: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و کوشش در راه معرفت و بسط هنر می‌شود». [۱۰] چنانکه دیدیم برای تمدن معانی مختلفی ذکر شده است ولی اصلی‌ترین معنای آن شهر نشین شدن و اقامت در شهر است. [۷] البته رابطه میان شهر و تمدن رابطه جزء و کل است نه ظرف و مظهر بنابراین، اگر چه تمدن (civilization) از مدینه به معنای شهر (civil)

ریشه می‌گیرد ولی در اصل شهر معلول تمدن است نه علت آن. یعنی به واقع شهر جزء تمدن است [۳] به همین دلیل تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان آمده است. [۱۷]

## سیر شکل‌گیری تمدن اسلامی

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که فرهنگ و تمدن اسلامی مسیری مضبوط و دقیق دارد و بر پایه منطقی قابل درک و بیان شدنی شکل گرفته است که در اینجا به صورت خلاصه به مراحل شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌پردازیم: برای شکل‌گیری تمدن اسلامی ده مرحله ذکر شده است مرحله اول با دعوت پیامبر از مکه آغاز شد. مرحله دوم با تشکیل حکومت اسلامی در یثرب شکل گرفت مرحله سوم گسترش اسلام بود که می‌توان به دو بخش تقسیم کرد، بخش اول، انتشار دین اسلام در جزیره العرب و بخش دوم گسترش آن در جهان متمدن آن روزگار، شامل بین‌النهرین، ایران، روم، مصر، حبشه، هند، ماورالنهر، چین و ماچین، شمال آفریقا و سرانجام جنوب اروپا بود. اوج این مرحله در سده‌های اول و دوم هجری نمایان گردید.

مرحله چهارم مجاور شدن فرهنگ و تمدن نوپای اسلامی با تمدنهای کهن جهان و کوشش برای شناخت و انتقال آن تمدنها به حوزه تمدن اسلامی است. این نهضت به شکل جدی از سده دوم آغاز و تا سده‌های سوم و چهارم ادامه یافت. این انتقال تمدن از چند طریق انجام شد: یکی از طریق ترجمه که جدی‌ترین شکل انتقال بود، دوم تاسیس کتابخانه‌ها و مدارس و انتقال کتابها از حوزه‌های تمدنی مجاور به حوزه تمدن اسلامی، و سومین راه از طریق انتقال دانشمندان و به تعبیر امروز «جذب مغزهای متفکر» به مراکز علمی و آموزشی جهان اسلام بود. مرحله پنجم عصر خودجوشی و شکوفایی تمدن اسلامی است که از سده سوم آغاز و تا سده پنجم هجری ادامه یافت. مرحله ششم عصر شکوفایی فرهنگ عمیق اسلامی و ادبیات عرفانی است شکوفایی این مرحله از سده چهارم آغاز و در سده هفتم به اوج خود رسید.

مرحله هفتم عصر هنر و معماری است؛ شاید این سنت منطقی تاریخ است که تا علوم عقلی و تجربی به کمال نرسد و تا معرفت انسان نسبت به هستی و حیات عمیق نشود و تا ادب به کمال خود نرسد هنر متعالی شده خط و نقاشی و معماری متجلی نخواهد شد. شگفت این‌که پس از دو ضربه سهمگین صلیبیها و مغولان و از میان ویرانه‌های به جای مانده از آن بلایای خانمان برانداز، نهضت هنری - معماری قد برافراشت و مبشر آغاز تجدید حیات اسلام در عصر صفوی - عثمانی - گورکانی بود. از این رو تصادفی نیست که اوج هنر اسلامی را از سده‌های نهم تا دوازدهم هجری در ایران و عثمانی و هند می‌بینیم.

مرحله هشتم عصر رکود است دو حمله بزرگ و طولانی صلیبی و مغول از مغرب و مشرق جهان اسلام که با آثار و پیامدهایشان - یکی حدود دو بیست سال و دیگری حدود سیصد سال به درازا کشید - توان و رمق مسلمانان را گرفت و خرابیهای بسیاری بر جای گذاشت. آنان با قساوتها و بی‌رحمیهای بی‌سابقه در فرهنگ بالنده اسلامی روح ناامیدی دمیده و با تخریب شهرها، اساس مدنیت مسلمانان را متزلزل کردند. با اینکه اسلام در ذات خود جوهر حرکت، پیشرفت، تحول و تکامل

دارد، ولی این دو حمله عظیم، آثاری مخرب بر پیکره تمدن اسلامی بر جای نهاد که سرانجام منجر به پیدایش عصر رکود شد که اوج این مرحله در سده هشتم و نیمه نخست سده نهم هجری است. مرحله نهم را می توان خیزش مجدد اسلام نامید. این تمدن بعد از دو قرن رکود توانست دوباره از زیر بار هجوم اقوام ویرانگر قد علم کند و در جهان اسلام در دوران سه دولت یعنی عثمانی در غرب، صفوی و گورکانی در شرق جهان اسلام دست به نوزایی فرهنگی بزند. در این مقطع این دولتها توانستند قسمتهایی از شکوه تمدن مسلمانان را بازسازی کنند. مرحله دهم هجوم استعمار و آغاز دومین دوره رکود است [۲۰] در این مقطع نیز استبداد داخلی و استعمار خارجی، عصر جدیدی از رکود و ایستائی را در تمدن مسلمانان ایجاد کرد و موجب شد تا خودباختگی و غرب زدگی در اندیشه واراده مسلمانان راه بر هر نوآوری و پویائی فرهنگی و تمدنی در جهان اسلام ببندد و سنت و فرهنگ غربی به عنوان نماد تمدن و مدنیت در باور مسلمانان، آنان را به دنباله روی از غرب بکشاند [۱۹]

این دنباله روی از غرب در جهان اسلام با واکنش های متفاوتی مواجه شد، متفکرین و اندیشمندان زیادی دل درگرو جامعه و تمدن ایده آل اسلامی داشتند و تلاشهایی برای احیاء اندیشه اسلامی انجام دادند کسانی چون محمد عبده و اقبال لاهوری از آن جمله اند. ادامه این رویکرد منجر به ایجاد نهضت بازگشت به اسلام و هم چنین احیاء تفکر دینی شد، لذا باید گفت این نگاه نو به مختصات جامعه اسلامی، در انقلاب اسلامی ایران و در اندیشه بنیانگذار انقلاب و معمار بزرگ جمهوری اسلامی یعنی امام راحل (ره) با تأسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی روند عینی خود را آغاز کرد و در تکاپو برای ایجاد تمدن و جامعه طراز انسان مسلمان است که در آن شکوفائی اقتصادی و توسعه علم و فناوری و رفاه مادی در کنار بهره مندی از زندگی سرشار از باور و معنویت پیگیری می شود. [۲ و ۴]

عبارت تمدن سازی نوین که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است در واقع همان احیاء تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه ها به آن معطوف گردیده است، یعنی احیاء عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی که می تواند نویدبخش ایجاد تمدنی نمونه باشد و تأکید مقام معظم رهبری بر عنصر پیشرفت همه جانبه به عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی در واقع به معنای تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه ها و همه جنبه های زندگی مادی و معنوی است. [۲۱]

تمدن نوین اسلامی تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسانها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می کند و این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه های انسان ساز اسلامی دارد نه تنها بعد مادی و سخت افزاری تمدن را نفی نمی کند بلکه به آن جهت داده و آنرا از آفاتی که بشر دچار آن شده است مثل پوچ گرائی، عدم احساس امنیت، نابرابری و فقدان معنی در زندگی نجات خواهد داد.

## تعریف تمدن نوین اسلامی

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی در ابتدا باید بدانیم معنی و مفهوم تمدن نوین اسلامی چیست. از آنجا که هدف ما در این پژوهش بررسی دیدگاه رهبر معظم انقلاب در این زمینه است و تمدن نوین اسلامی را رهبر انقلاب در سخنرانی های خود مطرح

کردند لذا به تعریف تمدن نوین اسلامی از دید ایشان می پردازیم ایشان پیشرفت همه جانبه را به عنوان تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته و هدف انقلاب اسلامی و ملت ایران را ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می دانند. [۲۱] البته باید دانست زمانی که کلمه پیشرفت به کار می رود نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی شود امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین المللی حرف رایجی است غربیها با اجرای یک تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی در طول سالهای متمادی کشورهای جهان را به سه دسته توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته تقسیم کردند در نگاه اول انسان خیال می کند کشور توسعه یافته آن کشوری است، که از فناوری و دانش پیشرفته ای برخوردار است، توسعه نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت در نظر گرفته می شود؛ در حالی که اینگونه نیست. عناوین توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته یک بار ارزشی و یک جنبه ای ارزش گذاری به همراه خود دارد. در حقیقت منظور غرب از کشور توسعه یافته، یعنی کشور غربی! با همه ی خصوصیات، فرهنگ، آداب، رفتار و جهت گیری سیاسی اش؛ کشور در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ کشور توسعه نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. [۲۱]

در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! اگر چه در مجموعه ی رفتار و کارها و شکل و قواره ی کشورهای توسعه یافته ی غربی، نکات مثبتی وجود دارد ولی مجموعه ای از چیزهای ضد ارزش هم در آن وجود دارد. لذا ما مجموعه ی غربی شدن، یا توسعه یافته ی به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی کنیم. پیشرفتی که ما می خواهیم چیز دیگری است. در عین حال باید در نظر داشت که پیشرفت برای همه ی کشورها و همه ی جوامع عالم، یک الگو و یک معنای مطلق واحد ندارد. شرایط گوناگون اعم از شرایط تاریخی، جغرافیایی، جغرافیای سیاسی، طبیعی، انسانی و شرایط زمانی و مکانی در ایجاد مدل های پیشرفت، اثر می گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، و در کشورمان پیاده کنیم؛ و باید الگوی پیشرفت متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم. [۲۱]

باید در نظر داشت پیشرفت در منطق اسلام با پیشرفت در تمدن مادی غرب متفاوت است آنها از بعد مادی به پیشرفت نگاه می کنند پیشرفت در غرب در درجه اول عبارتند از: پیشرفت در ثروت، علم و فناوری و پیشرفت نظامی. اما در منطق اسلام پیشرفت دارای ابعاد بیشتری است و عبارتند از پیشرفت در علم، اخلاق، عدالت، رفاه عمومی، اقتصاد، عزت و اعتبار بین المللی، استقلال سیاسی و در کنار اینها پیشرفت در جنبه ی معنوی و الهی یعنی عبودیت و تقرب به خدای متعال، و هدف نهایی ما تقرب به خداست. [۲۱] بنابراین پیشرفت در اسلام دارای دو بعد مادی و معنوی است و دنیا و آخرت در نظر گرفته شده است و هدف اصلی از پیشرفت در اسلام رسیدن به خداست.

## موانع در رسیدن به تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه است حال باید دید منظور از پیشرفت همه جانبه چیست پیشرفت همه جانبه یعنی به هر دو بعد مادی و معنوی انسان توجه شود و دنیا و آخرت با هم در نظر گرفته شود در احادیث آمده است («اَعْمَلْ

لَدُنِّيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اَعْمَلْ لِاٰخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا چنان برای زندگی دنیا تلاش کن که گویا تا ابد زنده هستی و برای آخرت خویش آنچنان کار کن که گویی فردا از دنیا خواهی رفت. [۱] یعنی دنیا را برای آخرت نباید ترک کرد، همچنان که آخرت را نباید فدای دنیا کرد. و برای هر دو نهایت تلاش را انجام داد. [۲۱] در راه رسیدن به این هدف هموار امکان انحراف وجود دارد. در یک دسته بندی آسیبهای موجود در تمدن نوین اسلامی را به دو دسته می توان تقسیم کرد. یکی بی توجهی به مسائل اخروی و دیگری بی توجهی به مسائل دنیوی است در توضیح آن باید گفت اینکه کسانی دنیا را اصل بدانند و آخرت را فراموش کنند؛ یعنی همه تلاش جامعه و برنامه ریزان و سیاست گذاران و حکومت، برای این باشد که زندگی مردم را از لحاظ دنیائی آباد کنند. ولی به بعد معنوی توجهی نشود. از طرفی اقبال به مسائل اخروی و دینی، و بی توجهی به مواهب عالم حیات و استعدادهایی که خدای متعال در این عالم قرار داده است؛ و غفلت از دنیا هم یکی از انحرافهاست. بنابراین تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت هم در برنامه ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره ی کشور لازم است [۲۱] یعنی در راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی هر دو بعد دنیوی و معنوی باید مورد توجه قرار گیرد و بی توجهی به هر کدام از آنها انحراف است.

## عرصه های پیشرفت

تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه معنی شد بنابراین برای رسیدن به این پیشرفت باید عرصه های آن را شناخت رهبر انقلاب چهار عرصه اساسی برای پیشرفت و رسیدن به تمدن نوین اسلامی بیان کرده اند که عبارتند از :

عرصه فکر

عرصه علم

عرصه زندگی

عرصه معنویت [۲۱]

## عرصه فکر

تفکر در معنای دقیق ویژگی اساسی انسان است و در فرایند تعلیم و تربیت جایگاه ویژه ای دارد و مریبان بزرگ، چه در گذشته و چه در قرن حاضر، تفکر را محور اساسی تعلیم و تربیت تلقی می کنند. از جمله سقراط در مکالمات خود که به وسیله افلاطون تحریر شده است آیین اندیشیدن یا تفکر را محور مباحثه های خود قرار داده است و جان دیویی مربی بزرگ قرن بیستم در کتاب ما چگونه فکر می کنیم که در سال ۱۹۱۰ منتشر شد، تفکر را پایه و اساس تعلیم و تربیت تلقی کرده است. [۱۴]

اسلام دینی است که به تفکر اهمیت فراوانی داده است اسلام دینی است که آغاز آن با تاکید بر تعقل و اندیشیدن بوده است. در قرآن آیات فراوانی انسان را به اندیشیدن فراخوانده است. رهبر معظم انقلاب می فرمایند: « شما ببینید در قرآن چقدر «لقوم یفکرون»، «لقوم یعقلون»، «أفلا یعقلون»، «أفلا یتدبرون» داریم. [۲۱]

قرآن با طرح مسائل عمیق، موجب تحولی عظیم در آن روزگار (طلوع اسلام) شد چرا که به یکباره سطح فکری اعراب جاهلیت را در زمانی کوتاه چنان متحول کرد که پیدایش فرهنگ تازه اسلامی و عظمت و کمال آن در حد اعجاز بود و از این حیث می توان آن را معجزه اسلامی همانند معجزه یونانی قلمداد کرد [۱۳]. تمثیل ها و سوگندهای قرآن نظیر قسم به ستارگان، آفتاب، شب، روز، فجر، آفرینش و صورتگری در رحم، خلقت شتر، زندگانی مورچگان و زنبوران عسل « [۸] مردم را به فرا گرفتن از جنبه های سطحی و ظاهری زندگی تشویق می کرد و همین عامل موجب ایجاد مباحثات و مجادلات مختلف میان مسلمین در بسیاری از زمینه ها شد که خود پیشرفت مباحث تفسیری و استدلالی را در پی داشت سوال از صفات خدا، نوع فعل خدا در عالم، جبر و تفویض و اختیار، کیفیت روح و بقای آن، فلسفه سیاسی و اصل رهبری و امامت، رویش مجدد و زنده شدن مردگان، تجسم اعمال، روز بزرگ، ابدیت و بقا، احکام شرع، تربیت نفس و اخلاق دینی و مسائل دیگر [۸] موجب رشد و شکوفایی بسیاری از علوم شد که بیشتر وابسته به قرآن بودند و این علوم، خود بعدها منشا تولد و زایش علوم دیگری شدند. به نوعی می توان گفت دعوت به تفکر و پیشرفت در آن، زمینه را برای پیشرفت علم فراهم کرد.

رهبر معظم انقلاب نیز با درک این موضوع پیشرفت در این عرصه را مهم دانسته و معتقدند که که خط و جهت تلاشهای علمی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع را اندیشه و تفکر ترسیم می کند. همچنان که تحول در علم و پیشرفت در علم داریم، پیشرفت در فکر هم باید پیدا کنیم. [۲۱]

### عرصه علم

شاید در تاریخ، هیچ دینی به اندازه دین اسلام به تشویق و حمایت از علم و دانش و عالمان و دانشمندان نپرداخته باشد از بسیاری از آیات کتاب الهی و احادیث معصومان این نکته به خوبی روشن می گردد. پیامبر (ص) مردم را به کسب دانش و طلب آگاهی فرا می خواند و این کار را محترم می شمرد از این جهت با اغلب مصلحان دینی تفاوت نمایانی داشت. [۹]

قرآن مکرر مردم را به فکر و تدبیر در احوال کائنات و به تامل در اسرار آیات دعوت کرده است و مکرر به برتری اهل علم و درجات آنها اشاره نموده است. [۱۳] کلمه علم به جز مشتقات آن حدود هشتاد بار در قرآن کریم در مواضع مختلف به کار رفته است. [۱۹] از جمله می توان به این آیات اشاره کرد «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اتوا العلم درجات» (مجادله: ۱۱)، «قل هل یتسوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (زمر: ۹)، «انما یخشی الله من عباده العلماء» (فاطر: ۲۸).

پیامبر (ص) علاوه بر سخن در عمل نیز مسلمین را به آموختن تشویق می کرد چنانکه بعد از جنگ بدر هر کس از اسیران که فدیه نمی توانست بپردازد در صورتیکه به ده تن از اطفال مدینه خط و سواد می آموخت آزادی می یافت. [۱۳] ابن سعد در

طبقات این مورد را بیان کرده و می‌گوید: «رسول خدا (ص) در روز بدر هفتاد اسیر از مشرکان گرفت و از آنها به اندازه توانایی شان فدیة می‌گرفتند. مردم مکه می‌نوشتند و مردم مدینه نوشتن نمی‌دانستند؛ هر اسیری که مال نداشت ده کودک از کودکان مدینه به او می‌سپردند تا بدیشان نوشتن بیاموزد و چون کودکان نوشتن فرا می‌گرفتند و ورزیده می‌شدند، همین کار فدیة او بود و آزاد می‌شد. زید بن ثابت از کسانی بود که به همین ترتیب نوشتن آموخت.» [۱۵]

ثمره تحریص و تاکید اسلام در این مقوله، چند قرن ایستادن بر بلندای علم و دانش و پرکردن سفره های بشریت از فواید علوم دانشمندان امت اسلام بود که نه تنها مسلمانان بلکه اندیشمندان شرق و غرب نیز بر این برتری خارق العاده اذعان دارند [۱۲] در حقیقت تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد. هنوز دو قرن به طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش‌وار اسلامی - آن هم در آن محیط - به وجود آمد؛ اگر بخواهیم آن حرکت علمی را با امروز مقایسه کنیم، باید قطب‌های علمی امروز دنیا را در نظر بگیریم، بعد کشوری را فرض کنیم که در نقطه‌ی دوردستی از دنیا که دور از هر گونه مدنیستی است قرار دارد؛ این کشور وارد میدان تمدن می‌شود و به فاصله‌ی مثلاً صد یا صدوپنجاه سال، از لحاظ علمی بر همه آن تمدنها فائق می‌آید؛ این یک حرکت معجزآسا است؛ اصلاً قابل تصور نیست. این برتری به این دلیل بود که اسلام به علم، فراگیری آن و تعلیم دادن علم و زندگی عالمانه، تحریص داشت. [۲۱] با در نظر گرفتن این نقش مهم علم رهبر معظم انقلاب نیز پیشرفت در این عرصه را مهم دانسته و می‌فرماید: «علم پایه پیشرفت همه جانبه یک کشور است، علم اقتدار است هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند. [۲۱] البته ایشان اهمیت این عرصه را کمتر از عرصه فکر می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند: «این عرصه که اهمیتش کمتر از عرصه اول است محصول فکر می‌باشد. [۲۱]

با توجه به اهمیتی که علم در اقتدار یک کشور دارد لازم است که به این موضوعات پردازیم که مفهوم تولید علم چیست؟ چه می‌توان کرد که در علم سبقت بگیریم، آیا امکان سبقت در علم وجود دارد؟ چگونه می‌توان از کسانی که در مسائل علمی بسیار جلوتر از ما هستند پیشی گرفت؟ آیا برای سبقت در این راه باید از همان مسیری برویم که آنها رفته‌اند؟

### مفهوم تولید علم

ایشان تولید علم را به معنای شکستن خط مرز دانش و فتح کردن آفاق جدید، اضافه کردن بر فناوری موجود دنیا و اختراع صد در صد ایرانی دانسته و فرموده‌اند تولید علم فقط معنایش این نیست که علم دیگران را یاد بگیریم. ما باید به فناوری جهشی دست پیدا کنیم؛ ما باید بتوانیم بر فناوری‌های موجود دنیا بیفزاییم؛ ما باید بتوانیم اختراع صددرصد ایرانی را در بازارهای دنیا مطرح کنیم. [۲۱] ایشان در جایی دیگر با مثالی این مفهوم را توضیح داده و می‌فرمایند: «زمانی شما هواپیمایی را که دیگران اختراع کرده‌اند بدون کمک دیگران در داخل کشور می‌سازید این از خرید هواپیمای ساخته شده بهتر است اما زمانی شما وسیله‌ای در سطح هواپیما در کشورتان تولید می‌کنید این همان چیزی است که ما لازم داریم ما باید بر ثروت علمی بشر بیفزاییم.» [۲۱]



## راهبایی برای پیشرفت در علم

از نظر ایشان امکان سبقت گرفتن در مسائل علمی وجود دارد و در بیانات خود به راه‌حلهایی اشاره کرده‌اند که با کمک آنها می‌توان به این مهم رسید از جمله این راه‌حل‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پیدا کردن راههای میانبر

یکی از راههای سبقت گرفتن در علم پیدا کردن راههای میانبر است کسی نمی‌تواند این قضیه را انکار کند که برای ساخت یک وسیله یا حل مشکل می‌توان راههای مختلفی پیدا کرد چنانکه به مرور زمان این مسئله به اثبات رسیده است. مثلاً هم اکنون وسایل حمل و نقلی ساخته می‌شود که با روشی متفاوت از روشهای گذشته قادر به حرکت و تامین انرژی است فناوری نانو که اکنون برای همگان شناخته شده است تا چندین سال پیش قابل تصور نبود پس برای جبران عقب ماندگی می‌توان راههای نرفته را پیدا کرد. ایشان در سخنان خود اشاره به عقب ماندگی ایران از لحاظ علمی کرده و می‌فرمایند: «واقعیت این است که ما دویست سال از علم دنیا عقب مانده‌ایم. [۲۱] اگر بخواهیم عیناً همان خطی را که دیگران رفتند دنبال بکنیم، دائماً و تا ابدالدهر از آنها عقب خواهیم ماند. [۲۱] چون آن کسی که با فاصله زیاد در جلو حرکت می‌کند با استفاده از ابزارهایی که روزبه‌روز پیشرفته‌تر می‌شود، حرکتش سرعت پیدا کرده، مرتب فاصله‌اش بیشتر می‌شود. [۲۱] از طرفی معنای رسیدن به مرزهای دانش این نیست که راهی را که اروپایی‌ها در طول دویست سال رفته‌اند، ما هم همان مسیر را در طول همین زمان طی کنیم و به آن جایی که امروز رسیده‌اند برسیم. [۲۱] البته در این شکی نیست که برداشتن قدمهای جدید، مستلزم پیمودن راههای رفته و طی‌شده‌ی به وسیله‌ی دیگران است؛ اما هیچ وقت نباید ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن راههای میانبر محروم و ممنوع کرد. [۲۱] آفرینش الهی راههای تو در توی عجیب و غریبی دارد؛ آنها را باید کشف کرد. همه‌ی این پیشرفتهای علمی، کشف راههای میانبر است. [۲۱] ما می‌خواهیم راههای کشف نشده را کشف کنیم. در زمینه‌ی علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهی همت قرار داده و دنبال بکنید؛ اینگونه می‌توان خط مقدم علم را شکست و یک قدم به جلو برداشت. [۲۱]

داشتن شجاعت علمی و نوآوری در زمینه علمی

از آنجا که دانشگاهها نقش مهمی در تولید علم دارند ایشان در این زمینه اساتید دانشگاه را مورد خطاب قرار داده و گفته‌اند: یکی از مشکلات در گذشته این بود که در زمینه‌های علمی چشم بسته و تقلیدی به غرب نگاه می‌کردیم درست است که غریبه‌ها حداقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلوتر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باورنکردنی‌ای هم رسیدند؛ آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهی همت خودشان باید قرار بدهند، داشتن «شجاعت علمی» در همه‌ی بخشها؛ اعم از علوم انسانی، علوم تجربی، علوم پایه و بخشهای نزدیک به عمل و فناوری، است شجاعت علمی یعنی دنبال کردن نظریه، تولید و خلق آن، نقد نظریه، چشم‌بسته و تقلیدی کار نکردن است [۲۱]

اعتماد به نفس شخصی و ملی

از نظر ایشان داشتن اعتماد به نفس شخصی و ملی برای یک استاد دانشگاه ضرورت دارد. اعتماد به نفس شخصی یعنی اینکه شخصاً اعتماد به نفس داشته کار علمی بکند و به آن کار علمی تکیه کرده و افتخار کند اعتماد به نفس ملی یعنی به قابلیت‌ها و توانایی‌های این ملت اعتماد داشته باشد اگر این موارد در یک استاد وجود داشته باشد در محیط درس به دانشجو منتقل خواهد شد. [۲۱]

پرکاری

ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «ما یک مقداری از ناحیه‌ی کم‌کاری‌ایمان و تنبلی‌ایمان - در بخشها و سطوح مختلف - ضربه خوردیم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد» (همان) بنابراین نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی و کار متراکم و انبوه، علاج کار پیشرفت علمی ماست. مخاطب این هم اساتید دانشگاهند. [۲۱]

هدفدار کردن تحقیق با توجه به نیاز کشور

برای رسیدن به این هدف در ابتدا باید نیازهای کشور را بشناسیم یعنی ببینیم واقعاً کشور به چه احتیاج دارد و پژوهش‌ها را در جهت نیازهای کشور قرار بدهیم، لازمه این امر داشتن بانک اطلاعاتی است. که به وسیله آن همه بتوانند بدانند چه لازم است، چه انجام شده است و برای تکمیل یک پژوهش چه لازم است، تا بتواند این قطعات گوناگون در کنار هم جمع بشود. نکته دیگر اینکه نظام اعطای امتیازات علمی و آیین‌نامه‌هایی که در این زمینه هست، باید با همین مطلب که کدام تحقیق منطبق با نیاز کشور است و کدام تحقیق تکمیل‌کننده یک زنجیره تحقیق و پژوهش است تطبیق کند. ما گاهی در زمینه‌هایی یک زنجیره‌ای داریم؛ حلقه‌های وسط این زنجیره مفقود است. تأمین این حلقه‌ها خیلی اهمیت خواهد داشت و گرنه صرف اینکه مثلاً یک مقاله در یک مجله‌ی آ.اس.آی منتشر کرده یا چه تعداد مقاله منتشر کرده، کافی نیست؛ یعنی محقق و پژوهشگر ما نباید برای کسب رتبه علمی به دنبال این باشد که مقاله‌ای را تهیه و تولید کند که برای کشور هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ خلأیی از خلأهای پژوهشی کشور را پر نمی‌کند. [۲۱]

تقویت روحیه ایمان و عنصر ایثار

ما باید روحیه ایمان و عنصر ایثار و فداکاری را در درجه اول در خودمان و سپس در مردم تقویت کنیم... چرا که بخش مهمی از قدرت ملی ما همین روحیه ایثار بود که در جنگ به صورت شهادت‌طلبی ظاهر شد در میدانی هم که امروز در مقابل خود داریم - که یقیناً از میدان جنگ پیچیده‌تر و دشوارتر است - باید نیروی ایثار و فداکاری که همه معادلات را به هم می‌ریزد، مطرح شود. اگر ما بتوانیم این را در خودمان تقویت کنیم، همه معادلات قدرت در دنیا به سود ما به هم خواهد ریخت. [۲۱].

## شناسایی آسیب‌های موجود در زمینه تولید علم

برای پیشرفت علم و رسیدن به هدفهای مورد نظر آسیب‌هایی در جامعه علمی وجود دارد که باید به آنها توجه کرد و درصدد رفع آنها برآمد در اینجا به تعداد از آسیب‌هایی که ایشان مطرح کرده اند می‌پردازیم:

گسترش روحیه مدرک گرایی در دانشگاه

ایشان در بیانات خود فرموده‌اند علم آموزی یک فرهنگ است و چنانکه به مسائل فرهنگی در دانشگاه توجه شود دانشجوی عاشق و راغب به علم شده و دنبال علم و تحقیق می‌رود و صرفاً دنبال مدرک نیست و استاد هم از حالت ادای تکلیف در کلاس خارج می‌شود. [۲۱]

دوری از فرهنگ تعمق و تحقیق در نظام آموزشی و تأکید بر حفظ محوری

نظام آموزشی باید به گونه‌ای طراحی بشود که جوان ما به تحقیق، طلبگاری در تعمیق علم و دانش علاقه‌مند بشود. حفظ محوری، غلط است... باید فکر کرد؛ باید افراد برگزیده و شاخص بنشینند نظامی را طراحی کنند که جوان ما میل به پژوهش، تعمق و تحقیق پیدا کند. [۲۱]

دور شدن جوانان دانشجو از فرهنگ خطرپذیری

خطرپذیری می‌تواند جامعه را موفق کند. در همه‌ی میدانهای مادی و معنوی که انسان موفقیتی مشاهده می‌کند، این جرئت و گستاخی و ترسیدن از احتمال موفق نشدن، عامل بسیار مهمی است که ما را پیش می‌برد ترس از اینکه شاید نشود، خیلی چیز بدی است. گاهی اوقات تصورات انسان، آینده‌ای را برای انسان تصویر می‌کند که بکلی او را مأیوس می‌کند؛ سوالاتی مانند اینکه اگر وارد دانشگاه شدیم، اگر درس خواندیم، اگر این تحقیق را کردیم، اگر وارد رشته‌ی تحقیق و پژوهش شدیم، آیا قبول می‌شود؟ آیا دست ما را به جایی بند می‌کنند؟ آیا نمی‌کنند؟ باید وارد شوید! به قول شاعر عرب می‌گوید: «شر من الشر خوف منه عن یقعی»؛ ترس از بلا، از بلا بدتر است. [۲۱]

بعد از دانستن مفهوم تولید علم و شناخت آسیبها و روشهای سبقت گرفتن در علم لازم است درباره یکی از شروط لازم برای رشد علم و اندیشه بحث شود این شرط، آزاد اندیشی است و در دوره طلایی تمدن اسلامی هم نقش عمده ای در گسترش علم ایفا کرده است. در گفتگوهای مختلف از این کلمه برداشتهای متفاوتی شده و چه بسا این برداشتها خطا بوده است و همین سبب شده که این مفهوم به درستی اجرا نشود. سعی ما بر این است که به مفهوم آزاد اندیشی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب پرداخته شود و اینکه آزاد اندیشی در جامعه ما چه وضعیتی دارد و در این زمینه چه کارهایی می‌توان کرد.

## آزاد اندیشی

به فرموده ایشان آزاد اندیشی شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است ایشان در این زمینه می‌فرمایند: " اگر بخواهیم در زمینه گسترش و توسعه واقعی فرهنگ و اندیشه و علم حقیقتاً کار کنیم، احتیاج داریم به این که از مواهب خدادادی و در درجه اول آزاداندیشی استفاده کنیم ". [۲۱]

الف- معنای آزاد اندیشی چیست ؟

فهمیدن معنای تحجر به فهم مفهوم آزاد اندیشی کمک خواهد کرد تحجر معانی متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به ایستایی، تحول ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزشهای حقیقی و متعالی اشاره کرد. تحجر در حوزه اندیشه و تفکر رخ می‌دهد و اگر در زمینه گرایش و رفتار ظاهر شود، جمود نام دارد. در مفاهیم قرآنی نیز از تحجر به عنوان مرحله یا مانعی برای شناخت حقیقت یاد شده است: «ثم قست قلوبکم من بعد ذلك فهی کالحجارة او اشد قسوة» ( بقره: ۷۴). از دید قرآن کریم این دسته افراد آنهایی هستند که از حوزه اندیشه و تفکر فاصله گرفته، هدایت ناپذیر شده‌اند پس تحجر علت عدم پذیرش حق و گرایش به کمال و سعادت واقعی است و متعاقباً مانعی جدی در شکوفایی اندیشه دینی و ایجاد تعامل مثبت نظری و عملی با حقیقت، معرفت، حکمت، حکومت، مدیریت و سیاست و حتی تقدیر معشیت است و متحجران از اسلام جز آموزه های بسته، رسوب یافته و انعطاف ناپذیر در برخورد با اقتضائات زمان و مکان و تغییر موضوع و محمولها ندارند و هرگز پذیرای فقر اندیشه و عمل خویش، و باز شناسی و باز نگری فکر و فعل به اصطلاح، اسلامی خود نیستند و همواره راکد و تحول ناپذیرند. پس یک انسان متحجر پيله سخت و نفوذ ناپذیر فکری به دور خویش می‌تند و به هیچ وجه حاضر به تغییر افکار و عقاید خود نیست [۱۱]

پس به طور خلاصه می‌توان گفت: «معنای تحجر این است که از هر آنچه که به صورت یک باور در ذهن انسان وارد شده، بدون این که پایه‌های استدلالی و استناد مستحکمی داشته باشد، بی دلیل و متعصبانه دفاع کردن». [۲۱]

در عین حال باید توجه داشت که در بیان مفهوم آزاد اندیشی همان گونه که تحجر جایی ندارد بی‌بند و باری نیز جایگاهی نخواهد داشت رهبر معظم انقلاب با ذکر مثالی تفاوت آزاد اندیشی و بی بند و باری را به وضوح بیان می‌دارند آنجا که می‌فرمایند: «آزاداندیشی غیر از بی‌بندوباری است. آزاداندیشی یک حرف و بی‌بندوباری یک حرف دیگر است. آزاداندیشی این است که شما در حرکت به سمت سرزمینهای ناشناخته، معارفخودتان را آزاد کنید، بروید، نیروها و انرژیهایتان را به کار بیندازید و حرکت کنید؛ اما معنای بی‌بندوباری این است که در حرکت به سمت قله یک کوه، اصلاً اهمیت ندهید که از کدام راه بروید. نتیجه این می‌شود که از راهی می‌روید و به نقطه‌ای می‌رسید که نه راه پیش دارید و نه راه پس و فقط راه سقوط دارید!». [۲۱]

با ذکر این مقدمات مفهوم آزاد اندیشی را بهتر می‌توان درک کرد ایشان می‌فرمایند: «آزاداندیشی یعنی آزادانه فکر کردن؛ آزادانه تصمیم گرفتن؛ ترجمه‌ای، تقلیدی و بر اثر تلقین دنبال بلندگوهای تبلیغاتی غرب حرکت نکردن. [۲۱] از طرفی در جایی

دیگر می‌فرمایند: «آنی که کمک می‌کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هیاهو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن» [۲۱]

ب- وضعیت آزاد اندیشی در جامعه

ایشان در زمینه وضعیت آزاد اندیشی در جامعه ما می‌فرمایند: " آزاداندیشی در جامعه ما یک شعار مظلوم است. [۲۱] دو گروه در جامعه ما به آزاد اندیشی ظلم کردند گروهی که آزاداندیشی را برابر با شکستن بنیانهای اصیل می‌پندارند و از آنجا که به این بنیانها دل بسته‌اند می‌ترسند، و به پایه‌هایی چسبیدند که باید روی آن پایه‌ها نوآوری می‌شد. گروه دوم فکر می‌کنند که با آزاداندیشی باید این بنیانهای اصیل شکسته شود، آنها به نام آزاداندیشی مرزهای فضیلت و حقیقت را لگد کوب کرده و همه اصول مقدس حقیقی را نادیده گرفته یا تحقیر و مسخره کردند. از آنجا که آزاد اندیشی شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است. در زمینه ایجاد آن باید دانست که آزاد اندیشی محیط خاصی دارد باید به ایجاد محیط آزاد اندیشی پرداخت، ادب استفاده از آزادی را آموخت و یاد داد، و در ضمن باز گذاشتن راه آزاد اندیشی، آن را مدیریت نمود. (همان) و باید در نظر داشت بهترین راه برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگی این است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. [۲۱]

### عرصه زندگی

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی سبک زندگی کردن است، ما چه از بعد معنوی به این موضوع نگاه کنیم و چه به معنویت اعتقاد نداشته باشیم برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. سبک زندگی بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی است مسائلی مانند مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، و ... که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد در این مقوله جا دارد. [۲۱]

### عرصه معنویت

عرصه چهارم در پیشرفت از همه چهار عرصه دیگر مهم است و روح همه آنهاست. معنویت با علم، سیاست، آزادی و عرصه‌های دیگر هیچ منافاتی ندارد. می‌توان با معنویت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد، دنیای امروز دنیای جنگلی است. دنیایی که در آن علم و تمدن و ثروت با معنویت همراه باشد دنیای انسانی خواهد بود. دنیایی خواهد شد که شایسته زندگی انسانی است [۲۱]

ایشان در بیاناتشان به پاره‌ای از مصادیق معنویت اشاره کرده‌اند که بدین شرح است اینکه کسی اهل اخلاص باشد کار را برای خدا انجام دهد هر کاری را که احساس می‌کند تکلیف الهی است انجام دهد به خدا توکل کند. از او استمداد و یاری بطلبد. به این عقیده داشته باشد که عالم محضر خداست و ما همواره در محضر خدا هستیم .

از طرفی بخش مهمی از معنویت در اسلام اخلاق است که شامل، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر، دچار غرور نشدن خود را برتر از دیگران ندانستن می‌باشد. [۲۱]

#### نتیجه

احیای تمدن اسلامی امری است که توجه تمام ملت های اسلامی را می طلبد. در این بین انقلاب اسلامی به عنوان الگویی برای بازشکوفایی تمدن اسلامی می تواند راهنما و راهگشا باشد. از آنجا که تمدن نوین اسلام به معنای پیشرفت همه جانبه است بنابراین باید در عرصه های مختلف پیشرفت صورت بگیرد تا هر چه زودتر به مقصد برسیم. در این بین رهبر معظم انقلاب برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی توجه به چهار عرصه فکر، علم، زندگی، معنویت ضروری دانسته اند که هر کدام از این عرصه ها از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردارند. در هر کدام از این چهار عرصه ابتدا باید وضعیت موجود را بررسی، آسیب ها و ضعف های موجود را شناسایی کرد تا در دام تکرار و تقلید گرفتار نشویم. سپس وضعیت مطلوب را در نظر گرفت و برای رسیدن به آن برنامه ریزی کرد. نیز نباید از این نکته غافل شد که برای رسیدن به جایگاه مورد نظر و بازشکوفایی تمدن اسلامی برنامه ای منظم و طولانی مدت همراه با رفع نکات ضعف، همکاری همه سازمانها، نهادها، مردم و فرهنگ سازی نیاز است و همگان باید اهمیت این موضوع را درک کنند که این راه راهی نیست که یک شبه و بدون فراهم آوردن مقدمات طی شود. عمل به این امور و همکاری همه جانبه سبب پیشرفت جوامع اسلامی می گردد که در نهایت به تمدن نوین اسلامی ختم می شود.

#### منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۶۳)، من لایحضر الفقیه، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی، ج ۳، ص ۱۵۶.
- انسان بر آستان دین: خلاصه آثار شهید مطهری، (۱۳۸۰)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ص ۱۹۶.
- برنال، جان، (۱۳۸۸)، علم در تاریخ، ترجمه اسدپور و دیگران، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، جلد ۱.
- پارسانیا، حمید، (۱۳۸۰)، حدیث پیمانه: پژوهشی در انقلاب اسلامی، قم: دفتر نشر و پخش معارف، چاپ پنجم، ص ۳۱۰.
- تافلر، آلوین، (۱۳۷۱)، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: مترجم.
- تاملین، فردریک، (۱۳۸۵)، گزیده آثار توین بی، ترجمه محمد حسین آریا، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم، ص ۴۹.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۶)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: معارف، چاپ یکم، ص ۲۴.

- حکیمی، محمد رضا، (۱۳۶۸)، دانش مسلمین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵.
- حلی، علی اصغر، (۱۳۶۵)، تاریخ تمدن اسلام، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- دورانت، ویل، (۱۳۹۰)، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، جلد ۱، ص ۳.
- رودگر، محمدجواد، (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، «تجبر و تجدد از منظر استاد مطهری»، کتاب نقد، سال هفتم، شماره ۳ و ۲، ۵۰-۴۹.
- روشنای علم: مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رهبر معظم انقلاب پیرامون دانش و تولید علم، (۱۳۹۱)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ سوم، مقدمه.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، کارنامه اسلام، تهران: امیر کبیر، چاپ شانزدهم، ص ۳۴.
- شریعتمداری، علی، «تفکر، تفکرانتقادی و تفکر خلاق»، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۳، ص ۴.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد، (۱۳۷۴)، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه، جلد ۲، ص ۱۹.
- لوکاس، هنری، (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان، ص ۱۶ و ۷.
- معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم، جلد ۱.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: وزارت امور خارجه، ص ۴۷.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: معارف، چاپ سوم، ص ۲۵ و ۲۳-۱۱.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، چاپ دوم، جلد ۴، ص ۱۰-۱۳.
- بیانات مقام معظم رهبری از سایت: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)